

یادداشت

چالشی سخت به نام ترکیه

**محمدرضا حاجی کریم جباری**
دیپلمات سابق

احمد داود اوغلو، وزیر امور خارجه اسبق ترکیه را می توان معمار روابط خارجی ترکیه در دوران حاکمیت اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان برشمرد. طی هشت دهه حاکمیت سکولارها در ترکیه، خاورمیانه، منطقه شر و خطرناک برای ترکیه تلقی می‌شد لذا ترکیه از این منطقه دوری و از مشکلات آن تبری می‌جست. با حاکم شدن اسلام‌گرایان از دو دهه پیش، رویکرد ترکیه نسبت به جهان اسلام به طور عام و خاورمیانه به طور خاص، به کلی تغییر کرد. داود اوغلو در کتابی با عنوان Zero Problem گفت که ترکیه باید مشکلاتش را با کشورهای خاورمیانه به صفر برساند و به‌علاوه، به صراحت از احیای امپراتوری عثمانی سخن گفت. این آغاز بازگشت ترکیه و دولت خلافت‌گونه اردوغان به این منطقه بود. از آن زمان تاکنون، ترکیه بی‌وقفه در جهت این فکر، راهبرد، سیاست و برنامه حرکت کرده است. گرچه مشکلاتی که این راهبرد برای ترکیه ایجاد کرد، کنار گذاشتن داود اوغلو را موجب شد، ولی این مانع از ادامه راه و تفکراو نشد. ترکیه سرخورده از اتحادیه اروپا، در عین حال، توسعه بی‌سابقه و سریع اقتصادی و راه یافتن به جمع بیست اقتصاد برتر جهان و فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز که زمانی حوزه نفوذ عثمانی بود، اینک خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز را عرصه‌ای بکر برای بهره‌برداری اقتصادی و گسترش حوزه نفوذ خود تشخیص داد. ترکیه در این دوره تلاش کرد تا به عنوان الگوی بهتر و برتر برای جهان اسلام معرفی شود و جای جمهوری اسلامی ایران را بگیرد و حتی رهبری جهان اسلام را به دست آورد. جمهوری اسلامی ایران، مالزی، عربستان و ترکیه در رقابتی غیررسمی برای ارانه الگو به جهان اسلام بودند و اینک با توجه به ظهور داعش، تضعیف ایران و دور بودن مالزی از این منطقه، اردوغان فرصت را برای ارانه الگوی اسلامی خود مناسب می‌دید. ترکیه با ثبات سیاسی و حمایت‌گسترده مردمی، اقتصادی متوسط در تراز جهانی و صنعت و کشاورزی پیشرفته، از جاذبه‌های گردشگری خود نیز بهره برد و درهای کشور را به روی جهان باز کرد. ترکیه خیلی زود به قلب گردشگری در جهان اسلام، رقیبی جدی برای بنادر کشورهای عربی خلیج فارس و مدعی جدیدی برای اروپا تبدیل شد. ترکیه از خلأهای اقتصادی، قدرت و امنیت در خاورمیانه، نهایت استفاده را برد و به سرعت حوضت خود را در ابعاد سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و اقتصادی گسترش داد. این گسترش حوزه نفوذ، نگرانی و ترس کشورهای عربی از شکل‌گیری یک نوعثمانی را موجب شد. اما اردوغان توانست بر این نگرانی‌ها فائق آید و روابط جدیدی را با آنها، خصوصا عربستان و خلیج فارسی‌های ثروتمند، تعریف کند. حمایت اردوغان از اخوان المسلمین از دیگر نگرانی‌های اعراب بود، اما در این باره نیز تعادل برقرار کرد. اردوغان با تبلیغات و چند شعار و به کارگیری عدم صراحت و صداقت، از یک طرف توجه انقلابیون فلسطینی را به خود جلب کرد، به طوری که پرچم ترکیه در غزه به اهتزاز درآمد و از طرف دیگر، روابط با اسرائیل را گسترش داد. اردوغان با طراحی مشترک و همراهی داعش، اسرائیل، آمریکا و اروپا، به حضور ایران در سوریه خاتمه داد و این کشور را به نفع خود مصادره و نقشی فعال در ضربه زدن به جبهه مقاومت ایفا کرد. اردوغان هر جالاز بود، ایران را وجاه‌المصالحه اهداف خود قرار داد و در عین حال روابط با ایران را زنده نگه داشت. اما نهایتا، همان‌طور که سکولارها معتقد بودند، ترکیه از شر خاورمیانه درمان نماند و با چالش‌های زیادی روبه‌رو شده است. سکولارها مجددا در ترکیه قدرت یافته‌اند و در راه قبضه مجدد قدرت در ترکیه هستند، واقیعتی که تا همین چند سال پیش، هیچ‌کس در ترکیه و خارج از آن، نمی‌توانست باور کند. اکثریت مردم ترکیه به دلیل بحران اقتصادی در این کشور، از اسلام‌گرایان روگردان شده‌اند. به‌علاوه، گرایش نسل جوان ترکیه به طور ملموسی تغییر کرده است. جامعه ترکیه در این بیست سال، به کلی پوست انداخته است. تعهدات و حضور نظامی ترکیه در کشورهای متعدد، علی‌رغم منافع اقتصادی، بیش از توان اقتصادی این کشور است و این سیاست به امری آرمان‌گرایانه و انتزاعی برای اردوغان و حزب او تبدیل شده و فراتر از توان این کشور است. به رغم تمام خوش رقصی‌های اردوغان برای ناتو و تلاش برای قبولاندن این که ترکیه بازوی موثری برای ناتو و آمریکا در راستای برقراری ثبات و صلح و امنیت در اقصی نقاط جهان است، مع‌الوصف، راهیایی به اتحادیه اروپا محقق نشده است و نخواهد شد. خروج ترکیه از لاک دوران سکولارها و حضور در صحنه به عنوان قدرتی نوظهور و تلاش برای نفوذ در حوزه‌های گوناگون جغرافیایی و اقتصادی، موجب شد تا آمریکا و اروپا به طور نامحسوس، گوش اقتصاد ترکیه را بیچبچانند و به مانند دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مجددا لیر را بی ارزش کنند و به این ترتیب، تا حدودی ترکیه را مهار کنند؛ البته، نمی‌توان از نظر دور داشت که این فرصتی بود که سیاست‌های غلط اردوغان به آنها داد. به نظر می‌رسد که عصر اسلام‌گرایان در ترکیه به سرآمده است و اردوغان تلاش می‌کند با مانورهایی در سطح روابط خارجی، غرور ملی ایجاد کند بر امواج آن. کشتی سوراخ خود را همچنان به پیش براند. امروز ترکیه با اقتصادی بزرگ، قدرت نظامی قابل توجه و قدرتی چند وجهی مرکب از قدرت سخت و نرم، واقعیتی جدید در منطقه است و از نقشی تعیین کننده در نظم خاورمیانه برخوردار است و لذا هر تفکری بر ترکیه حاکم شود، از این عوامل قدرت و گستره حوزه نفوذ بهره خواهد برد.

نرسی قربان در گفت وگوبا «آرمان ملی»:

نباید اجازه داد بحران انرژی راسیاسی کند

**برق به خوبی مدیریت نشود ممکن است قطعی****از ۸ ساعت در روز نیز عبور کند****قطعی برق در روزهای آینده بستگی به نوع****مدیریت دولت دارد**

آرمان ملی- احسان انصاری: بحران انرژی و قطعی برق روزبه‌روز ابعاد جدی‌تر و پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. وضعیت به شکلی است که میزان قطعی برق منازل و ادارات بیشتر از گذشته شده و این احتمال نیز وجود دارد که در آینده نیز بیشتر شود. شرایطی که ممکن است با افزایش میزان دما بحران انرژی در کشور به بحران عمیق‌تری در کشور تبدیل شود. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد مختلف بحران انرژی و قطعی برق در ایران با دکتر نرسی قربان گفت‌وگو کرده است. نرسی قربان کارشناس حوزه انرژی و دکترای اقتصاد انرژی از دانشگاه لندن می‌باشد. وی در این زمینه معتقد است: «اگر ما می‌خواستیم بحران انرژی در کشور مانند امروز عمیق و بزرگ نباشد باید از قبل برنامه‌ریزی می‌کردیم. هنگامی که در گذشته در این زمینه برنامه‌ریزی

صورت نگرفته باید منتظر هر شرایطی بود. به هر حال این یک واقعیت است که کشور با بحران انرژی و قطعی برق مواجه است و اگر مدیریت خوبی صورت نگیرد ممکن است قطعی برق از میزان کنونی نیز بیشتر شود. این وضعیت هم درباره منازل مسکونی ممکن است به وجود بیاید و هم درباره صنایع. در واقع کسی نمی‌داند که قطعی برق در آینده به چه صورت خواهد بود و این موضوع به صورت مستقیم به نوع مدیریت انرژی در آینده دارد. اگر دولت و متولیان بتوانند به خوبی وضعیت را مدیریت کنند، ممکن است که قطعی برق افزایش پیدا نکند اما اگر چنین اتفاقی رخ ندهد این احتمال وجود دارد که قطعی برق حتی از ۸ ساعت نیز در روز عبور کند». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

سال‌های گذشته فرهنگ‌سازی و اهمیت توجه به انرژی را در دستور کار قرار می‌دادیم اما درک اهمیت این موضوع در شرایط کنونی نیز اتفاق خوبی بوده که رخ داده است.

در روزهای اخیر که میزان و تعداد قطعی برق در مناطق مختلف کشور افزایش پیدا کرده، برخی کارشناسان عنوان می‌کنند ممکن است قطعی برق با افزایش گرام به ۴ ساعت و ۸ یا ۹ ساعت در روز نیز در برخی مناطق برسد. این موضوع به چه میزان به واقعیت نزدیک است؟

اگر ما می‌خواستیم بحران انرژی در کشور مانند امروز عمیق و بزرگ نباشد باید از قبل برنامه‌ریزی می‌کردیم. هنگامی که در گذشته در این زمینه برنامه‌ریزی صورت نگرفته باید منتظر هر شرایطی بود. به هر حال این یک واقعیت است که کشور با بحران انرژی و قطعی برق مواجه است و اگر مدیریت خوبی صورت نگیرد ممکن است قطعی برق از میزان کنونی نیز بیشتر شود. این وضعیت هم درباره منازل مسکونی ممکن است به وجود بیاید و هم درباره صنایع. در واقع کسی نمی‌داند که قطعی برق در آینده به چه صورت خواهد بود و این موضوع به صورت مستقیم به نوع مدیریت انرژی در آینده دارد. اگر دولت و متولیان بتوانند به خوبی وضعیت را مدیریت کنند ممکن است که قطعی برق افزایش پیدا نکند اما اگر چنین اتفاقی رخ ندهد این احتمال وجود دارد که قطعی برق حتی از ۸ ساعت نیز در روز عبور کند. شرایط بحران است و همه مدیران و مردم نیز نسبت به این موضوع آگاهی پیدا کرده‌اند. البته بحران به معنای این نیست که راه حلی برای آن وجود ندارد و بلکه راه حل‌های زیادی وجود دارد که می‌تواند شرایط را کنترل کند.

با این وجود باید عنوان کرد بحران انرژی و قطعی برق در کشور جدی است و همه باید آن را جدی بگیرند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که دولت باید بین میزان قطعی برق منازل مسکونی و صنایع یک بالانس و تعادل ایجاد کند و اجازه ندهد یکی فدای دیگری شود. در شرایط کنونی هم منازل مسکونی نسبت به وضعیت برق هستند و هم صنایع. در دولت‌های گذشته نیز برخی بیشتر به منازل مسکونی اهمیت می‌دادند و برخی بیشتر به صنایع. واقعیت این است که دولت پزشکیان باید در این زمینه به یک بالانس و تعادل برسد که شرایط یک طرف مطلوب نباشد و شرایط طرف دیگر نامطلوب.

دولت‌هایی که در گذشته روی کارآمدند اولویت‌هایی دیگری داشتند و به‌رغم هشدارهای کارشناسان انرژی به دولت‌مردان، کسی اعتنا نکرد تا کار به جایی برسد که شرایط یک طرف مطلوب نباشد و شرایط طرف دیگر نامطلوب.

نشده است. این نماینده ادوار مجلس اظهار کرد: در این بین ایران خوشبختانه از توانمندی دفاعی خوبی برخوردار است و آمریکا و اسرائیل نمی‌توانند به ایران ضربه نظامی زده و ضربه‌ای نخورند. از سویی مراکز هسته‌ای ایران به لحاظ ایمنی‌سازی در شرایط مناسبی است و ایران قدرت چانه‌زنی در مقابل آمریکا را دارد. البته ایران هم در زمینه اقتصادی نقطه ضعف دارد و آمریکا در حین مذاکرات هم هفته‌ای نیست که تحریم جدیدی اعمال نکند. ما هم در مقابل باید همین کاری که هیات مذاکره‌کننده کشورمان انجام داده را دنبال کرده یعنی پاسخ‌های متین، قاطع و کوتاه به طرف مقابل بدهد. البته اینکه ما در کشور در مورد مذاکرات یک صدا به دنیا مخابره می‌کنیم هم اهمیت زیادی دارد.

نشد است. این نماینده ادوار مجلس اظهار کرد: در این بین ایران خوشبختانه از توانمندی دفاعی خوبی برخوردار است و آمریکا و اسرائیل نمی‌توانند به ایران ضربه نظامی زده و ضربه‌ای نخورند. از سویی مراکز هسته‌ای ایران به لحاظ ایمنی‌سازی در شرایط مناسبی است و ایران قدرت چانه‌زنی در مقابل آمریکا را دارد. البته ایران هم در زمینه اقتصادی نقطه ضعف دارد و آمریکا در حین مذاکرات هم هفته‌ای نیست که تحریم جدیدی اعمال نکند. ما هم در مقابل باید همین کاری که هیات مذاکره‌کننده کشورمان انجام داده را دنبال کرده یعنی پاسخ‌های متین، قاطع و کوتاه به طرف مقابل بدهد. البته اینکه ما در کشور در مورد مذاکرات یک صدا به دنیا مخابره می‌کنیم هم اهمیت زیادی دارد.

نشده است. این نماینده ادوار مجلس اظهار کرد: در این بین ایران خوشبختانه از توانمندی دفاعی خوبی برخوردار است و آمریکا و اسرائیل نمی‌توانند به ایران ضربه نظامی زده و ضربه‌ای نخورند. از سویی مراکز هسته‌ای ایران به لحاظ ایمنی‌سازی در شرایط مناسبی است و ایران قدرت چانه‌زنی در مقابل آمریکا را دارد. البته ایران هم در زمینه اقتصادی نقطه ضعف دارد و آمریکا در حین مذاکرات هم هفته‌ای نیست که تحریم جدیدی اعمال نکند. ما هم در مقابل باید همین کاری که هیات مذاکره‌کننده کشورمان انجام داده را دنبال کرده یعنی پاسخ‌های متین، قاطع و کوتاه به طرف مقابل بدهد. البته اینکه ما در کشور در مورد مذاکرات یک صدا به دنیا مخابره می‌کنیم هم اهمیت زیادی دارد.

تلنگر

محسن جلیلودن مطرح کرد

غیرمنطقی بودن

حرف از غنی‌سازی صفر

دور پنجم مذاکرات ایران و آمریکا هنوز تاریخ مشخص یا محل برگزاری مشخصی ندارد، اما در آستانه دور پنجم مذاکرات، ابهامات مذاکره، روندی صعودی دارد. رهبر انقلاب در جدیدترین سخنان خود از مواضع چندگانه آمریکایی‌ها انتقاد کرده و گفته‌اند: «اینکه می‌گویند اجازه نمی‌دهد ایران غنی‌سازی کند، غلط زیاد است». نگاهی به سخنان اخیر ویتکاف، واکنش‌های عراقچی و جمع‌بندی سخنان متناقض طرف آمریکایی درباره حجم و میزان غنی‌سازی، این پرسش بیش از هر زمان دیگری پررنگ شده که گره مسئله غنی‌سازی چگونه حل می‌شود و چه راه حل‌هایی در این زمینه وجود دارد.

چشم‌انداز مذاکرات

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در خصوص حواشی مذاکرات ایران و آمریکا اظهار داشت: آمریکایی‌ها ابتدا ایران را به سر میز مذاکره کشاندند اما مدتی بعد شروع به اعمال فشار علیه ایران کرده‌اند. ویتکاف در مرحله اول مذاکرات اشاره کرده بود که ایالات متحده حاضر است روی غنی‌سازی ۳/۶۷ درصدی صحبت کرده و توافق کند، اما بعد از این که ایران وارد مرحله گفت‌وگو شد و نشان داد در مذاکرات حسن نیت دارد، ماجرا تغییر کرد. به نظر می‌رسد نیروهای تندرو داخل ایالات متحده معتقدند صحبت درباره غنی‌سازی درواقع نسخه دیگری از برجام است. محسن جلیلودن گفت: درواقع آنها می‌گویند اگر قرار بوده که روی همین غنی‌سازی مانیم اصلا چرا از برجام خارج شده‌ایم. اما ایران نیز خواست‌هایی دارد که نمی‌توان از این خواست‌ها گذشت. ایران روی حداقل‌ها در حال بحث است اما این حق را برای خود قائل می‌داند که توانایی نرم‌افزاری خود را حتی با وجود فریز کردن توانایی سخت‌افزاری حفظ کند. آمریکایی‌ها صحبت از رساندن غنی‌سازی ایران به صفر درصد می‌کنند که منطقی به نظر نمی‌رسد. ضمن این که مقامات ایران باید از چند زاویه حساس به ادامه یا لغو مذاکرات نگاه کنند که همین موضوع، پیچیدگی‌ها را دوچندان می‌کند. وی افزود: فرض کنید آقای عراقچی تصمیم بگیرد اعلام کند از مذاکرات خارج می‌شویم. سخن تا حد زیادی روی بازارهای مالی اثر خواهد داشت حتی اگر این اثر موقوت باشد، به هر حال مهم است. برعکس نیز همین است درواقع اگر آقای عراقچی اعلام کند که مذاکرات به سمت مثبت و نتیجه‌بخش پیش می‌رود، باز هم نتایج قابل توجهی خواهد داشت. اگر قرار است مذاکرات را ادامه دهیم باید به این نکته توجه کنیم که مذاکرات باید بر اساس هدف پیش برود. رهبری در سخنان اخیر خود اشاره کرده‌اند که «گمان نمی‌کنیم به نتیجه برسد. نمی‌دانیم چه خواهد شد». جلیلودن بیان کرد: این سخن بسیار مهم است و انتافا من هم در مورد به نتیجه رسیدن مذاکرات خوشبینی ندارم و معتقدم به نتیجه‌ای که در روزهای اول در ذهن برخی کارشناسان بود نمی‌رسد. اگر قرار است به نتیجه‌ای برسد، حالت stand by است. یعنی فعلا هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد تا به آخر تیرماه برسیم و ببینیم آن زمان که مصادف با مهلت آغاز سازوکار مکانیسم ماشه توسط اروپا است، چه اتفاقی رخ می‌دهد. این کارشناس ارشد و تحلیلگر سیاست خارجی در ادامه بیان کرد: «مذاکرات باید هرچه سریع‌تر نتیجه خود را مشخص کند. چرا که مهلت زیادی تا فعال‌سازی اسنپ یک باقی‌نمانده است. در تاریخ ۲۶ مهرماه، اسنپ یک منقضی می‌شود و در نتیجه با توجه به زمانی که برای اجرای کارهای اداری آن لازم است، بنابراین، تا آخر تیرماه باید نتایج مشخص شود. درواقع ما تقریباً دو ماه زمان لازم داریم و بی‌تعارف بگویم هر راه حلی هم که تاکنون ارائه شده، راه حل ویژه و مبنای نبوده یا امکان اجرایی نداشته است. برای مثال راه حل فریز در برابر فریز که برخی به عنوان توقف غنی‌سازی ایران در برابر توقف تحریم‌ها مطرح می‌کنند، اصلا چشم انداز منطقی ندارد و دیدگاه میانه‌رو را ارائه نمی‌دهد. گزینه دیگری که نمی‌توانیم در مذاکرات نادیده بگیریم اسرائیل است. علیرغم صحبت‌هایی که درباره کنار گذاشته شدن اسرائیل از مذاکرات گفته می‌شود اما همچنان اسرائیل نفوذ خود را در آمریکا ادامه می‌دهد و می‌تواند عنصری تعیین کننده در رویکرد آمریکا باشد. وی افزود: من نسبت به ماهیت مذاکرات کاملاً خوشبینم اما نسبت به نتیجه مذاکرات، خوشبین نیستم. پرونده هسته‌ای ایران به راحتی قابل حل نیست و شامل پیچیدگی‌های متعددی می‌شود. شاید تنها راه حل دیپلماتیک در شرایط فعلی این باشد که دشمنان گفتگو انجام نشود و طرفین یکدیگر را نه در قالب دو دشمن بلکه در قالب دو طرف که قرار است با مذاکرات به نتیجه منطقی برسند نگاه کنیم.